



# «آرایش جنگی» در میدان مغزها و دلها

## سرمقاله



جنگ فقط شلیک موشک و بمباران نیست. برخی جنگ‌های توانند از جنگ نظامی نیز مهیب‌تر باشند. رویارویی نظامی با ایران در ابتدای سال، دوازده روز طول کشید و با توقف آتش، پایان یافت اما جنگ در حوزه عملیات روانی و رسانه‌ای نه تنها پایان نگرفت بلکه تشدید نیز شد.

وقایع تلخ و غمبار دی ماه که ایران را داغدار کرد، معلول عوامل گوناگونی بود اما به جرأت می‌توان گفت جنگ رسانه‌ای در این شبه‌کودتا نقشی اساسی و غیرقابل انکار داشت. این کودتا تفاوت‌هایی اساسی با کودتاهای کلاسیک داشت. در کودتاهای کلاسیک، تا دقیقه ۹۰ همه چیز مخفی است و عوامل کودتا کاملاً در خفا عمل می‌کنند و محرمانگی، اصلی تعیین‌کننده در نتیجه عملیات است اما در کودتاهای پست مدرن - مانند آنچه در دی ماه رخ داد - محرمانگی به معنای مصطلح آن معنا ندارد و رسانه‌ها، بخصوص شبکه‌های اجتماعی و کارزارهای آنلاین، در تدارک کودتا و پیشبرد آن نقشی جدی دارند.

هوشیاری ملت ایران، کودتا را ناکام گذاشت اما یکی دیگر از ویژگی‌های چنین کودتاهایی، ستالیت زمان است. از این منظر می‌توان گفت تلاش و طراحی دشمن در این میدان پایان نیافته است و آنان با تکیه بر عملیات روانی و قلب و واقعیت‌ها، همچنان امید دارند که برنامه شکست خورده خود را احیا کنند.

در روزهای اخیر نیز آمریکا با گسیل ناوگان جنگی خود به منطقه، فاز جدیدی از جنگ رسانه‌ای را کلید زده است. این ناوگان پیش و بیش از آن که برای جنگ آمده باشد، یک هدف را دنبال می‌کند، سوخت لازم برای تشدید عملیات روانی در میدان رسانه و افکار عمومی فراهم کند تا بدون توسل به جنگ و تحمل عواقب آن، ایران وادار به عقب‌نشینی از منافع ملی خود و در نهایت تسلیم شود.

رژیم صهیونیستی که در این عرصه تجربه‌ای طولانی و گسترده دارد، به شکلی برجسته نقش آفرینی می‌کند. این عملیات مشترک آمریکایی - صهیونی چند محور عمده و اساسی دارد؛ برجسته‌سازی سایه جنگ با هدف ارباب مردم ایران؛ به خط کردن رسانه‌های جریان اصلی دنیا و انتشار انواع و اقسام شایعات و دروغ‌های ضدایرانی (از شایعه فرار مقامات گرفته تا پمپاژ خشم، ناامیدی به جامعه)؛ ارائه تصویری واژگون از مردم ایران و جایگزین کردن آنها با مشتی خائن و وطن‌فروش در قاب رسانه و تلقین تسلیم به عنوان راه حلی معقول.

حماسه‌سازی مردم ایران در ۲۲ دی و ۲۶ بهمن نشان داد علی‌رغم این جنگ رسانه‌ای بی‌سابقه و سهمگین، دشمن همچنان در رسیدن به اهداف خود ناکام مانده است. اما این ناکامی نباید دوست‌داران ایران را دچار خطا کند. قربانیان این جنگ شناختی، کشته نمی‌شوند بلکه از جبهه دفاع از ایران جدا می‌شوند، حال یا با منفعل شدن یا با پیوستن به جبهه دشمن در این جنگ. از این منظر باید گفت حتی یک قربانی نیز زیاد، تأسّف‌بار و غیرقابل پذیرش است.

بیستم آذرماه ۱۴۰۴، رهبر انقلاب درباره ابعاد و اهمیت این نبرد فرمودند: «امروز ما فراتر از درگیری‌های نظامی... در کانون یک درگیری تبلیغاتی و رسانه‌ای هستیم؛ با چه کسی؟ با یک جبهه‌ی وسیع... دشمن فهمید که تصرف این مُلک و این خاک و این سرزمین الهی و معنوی با ابزار فشار و ابزار نظامی امکان ندارد. فهمید که اگر بخواهد تصرفی بکند، دخالتی بکند، موفقیتی پیدا کند باید دلها را تغییر بدهد، باید مغزها و فکرها را عوض کند... هدف دشمن در کشور ما محو کردن آثار مشعشع مفاهیم انقلابی است؛ هدفش این است که بتدریج مردم را از یاد انقلاب، از یاد هدف انقلاب، از یاد کارهایی که در انقلاب شد، از یاد امام انقلاب منصرف کند؛ برای این دارند کار میکنند، دارند تلاش میکنند؛ میلیاردها خرج میکنند... نویسنده، هنرمند، کتاب‌نویس، رمان‌نویس، هالیوود و غیر اینها را به کار میگیرند... بنابراین جبهه‌ی انقلاب و کارگزاران مقاومت باید این وضع دشمن را بشناسند... ما در مسائل نظامی، آرایش صفوفمان بستگی دارد به هدف دشمن... این کار در باب تبلیغات باید انجام بگیرد. آرایش تبلیغاتی بایستی به سمتی برود که دشمن درست همان سمت را هدف قرار داده، و آن عبارت است از معارف اسلامی، معارف شیعی و معارف انقلابی... باید در مقابل اینها ایستاد.»

هر کسی در هر جایگاه و موقعیتی می‌تواند بخشی از این آرایش جنگی رسانه‌ای در برابر این تهاجم همه‌جانبه دشمن باشد و باید از خود پرسیم به عنوان یک دوست‌دار و مدافع انقلاب اسلامی و ایران عزیز، چقدر آرایش جنگی گرفته‌ایم. بدون شک مسئولان و دست‌اندرکاران و رسانه‌ها در این عرصه، مسئولیتی جدی‌تر دارند و باید در عملکرد و آرایش خود بازنگری جدی کنند. ■

الله اکبر! این صدای ملت قهرمان ایران است. ما مردم ایران، پشت و پناه نیروهای امنیتی و مسلح ایران اسلامی هستیم و خواهیم بود. اینجا سرزمین ستارخان هاست، سرزمین شیروزی هاست، سرزمین

پیام صوتی  
یک هموطن ایرانی  
خطاب به نیروهای  
مسلح ایران

سلیمانی هاست. ما در برابر روزه گرگ‌ها و طمع کفتارها، نعره شیر سر می‌دهیم. ما فرزندان حیدریم، منتظریم. مرگ بر استکبار جهانی. نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَتَبْرَأَ الْمُؤْمِنِينَ.

الله اکبر! این صدای ملت قهرمان ایران است. ما مردم ایران، پشت و پناه نیروهای امنیتی و مسلح ایران اسلامی هستیم و خواهیم بود. اینجا سرزمین ستارخان هاست، سرزمین شیروزی هاست، سرزمین

روزنامه‌ها  
تترتی  
KHAMENEI.IR  
چهارشنبه ۶ اسفند ۱۴۰۴

رادیونگار  
**باید سفت ایستاد**  
مصطفی مصلح‌زاده  
عضویت علمی دانشگاه و سفیر سابق ایران در اردن

نمی‌رود؛ گاه تنها با سایه‌ی تهدید، کار خود را پیش می‌برد. تاریخ معاصر ایران، دورایت روشن از این الگوارانه می‌دهد؛ یکی در روزگار مصدق و دیگری در عهد ناصرالدین شاه قاجار. نخست؛ در جریان ملی شدن نفت، هنگامی که دولت مصدق در برابر فشارهای لندن ایستاد، بریتانیا ناوهای جنگی خود را تا آب‌های آبادان پیش آورد و آشکارا تهدید به حمله کرد. اما مصدق عقب ننشست؛ با صراحت اعلام کرد نفت به ملت بازگشته و تهدید، تغییری در این تصمیم ایجاد نخواهد کرد. سرانجام نیز حمله‌ای رخ نداد؛ زیرا هزینه‌ی رویارویی، بیش از دستاورد احتمالی آن برآورد شد. دوم؛ در سال ۱۸۵۷، با تحریک بریتانیا، هرات اعلام استقلال کرد. هنگامی که ارتش ایران برای بازپس‌گیری آن حرکت کرد، نیروهای انگلیسی از جنوب وارد شدند و با تهدید مستقیم، تهران را وادار به عقب‌نشینی کردند. جنگی بزرگ در گرفت، اما نتیجه روشن بود؛ عقب‌نشینی ایران و تثبیت جدایی هرات. این دورایت نشان می‌دهد امپریالیسم بیش از آن که به نبرد نظامی تکیه کند، بر سنجش اراده‌ها استوار است.

قاب  
**جزه خوانی قرآن هر روز به یاد یک شهید**  
محفل نورانی جزء خوانی قرآن کریم همزمان با ماه مبارک رمضان در گلزار شهدای ابرندآباد یزد هر روز به یاد و نیت یک شهید با حضور اقشار مختلف مردم برگزار می‌شود.

فرزند ایران  
**نیمکت‌های خالی**  
امسال نیمکت‌های برخی از کلاس‌های دبستان شهید سعید رحمانی خالی بود و جای حضور دانش‌آموزان، عکس‌شان در کلاس حاضر بود. از جمله مرسانا بهرامی. معاون آموزشی مدرسه می‌گفت: «(با اینکه در پایه دوم تحصیل می‌کرد اما از دانش‌آموزانی بود که بیشتر وقت فراغتشان را در کتابخانه می‌گذراند، به طوری که طبق بررسی‌های آماری ما، بیشترین کتاب را برای مطالعه از کتابخانه مدرسه، به امانت گرفته و بعد هم تحویل داده بود.) معلم پرورشی می‌گفت: «مرسانا همیشه دنبال کلید کتابخانه بود. دانش‌آموز کلاس دوم که با رفتاری آرام، مظلوم و کم‌حرف شناخته می‌شد. معلم او از اخلاق و ادب بی‌نظیر این کودک می‌گفت و اینکه حتی یک بار هم رفتار آزاردهنده‌ای از او ندیده است.» مرسانا بهرامی ۸ ساله، کوچک‌ترین عضو خانواده بود. در سه‌و‌نیم با مباد بیست‌و‌چهارم خردادماه، در حمله‌ی رژیم صهیونیستی به ساختمان ۱۴ طبقه‌ای در شهرک شهید چمران تهران، شمار زیادی از دانش‌آموزان همراه خانواده به شهادت رسیدند. از جمله مرسانا بهرامی که به همراه پدرش روح‌الله بهرامی، و مادرش دکتر بهجت سعیدیان به شهادت رسید. مرسانا همراه پدر، در گلزار شهدای محله ابالی اردستان به خاک سپرده شد.

محبی‌عبدلی